



السابقین

خدا! ^{یا}

روزی که به حسب بندگت رسید کس میماند در برابر کولان

پردوای که به آن پوشانده ای از روی کار ما بمدار

دعای ۱۱ - صحیفه صحابه

شرح دعای یازدهم صحیفه سجادیه

طلب فرجام نیک

نویسنده: فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

زمستان ۹۶

مقدمه:

عمر انسان مجموع لحظات است و یکی از آن لحظات همان لحظه آخر و پایانی عمر انسان است. انسان باید تلاش کند که در آن لحظه در حالی باشد که دارای ایمان کامل و توبه مقبوله باشد و اگر ذره ای کوتاهی و بی‌مبالاتی کند امکان دارد در همان لحظه شیطان ایمان را از انسان بگیرد و خدای ناکرده، دلبسته به غیر خدا باشد. لحظات آخر عمر انسان یا با ایمان از دنیا می‌رود و یا بی‌ایمان، پس اگر در طول زندگی خود مراقب اعمال خود باشد یقیناً با ایمان از دنیا خواهد رفت.

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛

پروردگارا دل‌های ما را بعد از ایمان و هدایت نلغزان که رحیم و بخشنده تویی.

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَوَاتِمِ الْخَيْرِ

از دعاهاى امام عليه السلام ، در طلب فرجام نيك و عاقبت بخيرى ما

يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ

اى خداوندى كه ذكر تو گويندگان ذكر را شرف و بزرگى است، اى خداوندى كه شكر تو شكرگزاران را
رستگارى و پيروزى است، اى خداوندى كه فرمانبردارى از تو فرمانبرداران را سعادت رهايب است، درود

بفرست بر محمد و خاندانش

شرح:

اگر دنبال كسب آبرو در دنيا و آخرت هستى ،ذاكر باش "يامن ذكره شرف للذاكرين"

اگر شاكل باشى ،در زمره شاكلان رستگار محشور مى شوى "يا من شكره فوزٌ للشاكلين"

اگر ذاكل خداوند تعالى باشى و نعمتهاى او را ياد كنى ، نعمت بندگى ، نعمت عبادت، وو... اين طاعتى است كه

موجب نجات تو مى شود. "يامن طاعته نجاه للمطيعين"

با درود بر محمد و آل او در این فراز از خداوند تقاضا داریم :

دل‌های ما را بذكر خودش و یاد خودش مشغول دارد به گونه ای که از غیر خدا جدا مانیم. "واشغل قلوبنا بذكرک عن کلّ ذکر"

زبان ما به شکر خود مشغول دارد تا از هر شکر غیر خدائی دور مانیم. "والسنتا بشکرک عن کلّ شکر".

اعضای بدن ما را به طاعت خودش مشغول دارد که غیر خدا را فرمان نبریم. "و جوارحنا بطاعتک عن کلّ طاعة"

" الهی لا تکلنی الی نفسی طرفهً عین ابدأ". خداوندا ، مرا لحظه ای (یک چشم بر هم زدن) بخودم وامگذار چون اگر تو مرا به خود واگذاری طریق ذکر و شکر و طاعت تو را گم خواهیم کرد.

فرجام نیک حاصل از:

۱. ذکر و یاد خدا- (بندگی - عبادت - انجام فرائض) مطیع بودن در برابر پروردگار
۲. دوری از گناه صغیره و کبیره
۳. قانع بودن و راضی بودن
۴. پرهیز از چشم دوختن به اموال مردم
۵. پرورش روحیه قناعت
۶. آمادگی برای همه آزمایشهای الهی
۷. کسب علوم و کشف برهانهای خلقت الهی تا آنجا که خداوند اذن دهد - یاد گرفتن و یاد دادن
۸. سعی در حفظ قرآن و یا حفظ چهل حدیث - شناخت، عقل و جهل

۹. مبارزه با طاغوت - شناخت فرقه ها - شناخت جنگ نرم در جامعه امروزی (دشمن شناسی)

۱۰. شناخت اصول دین و پایبندی به آن "توحید - نبوت - عدل - امامت - معاد"

۱۱. قبول باورهای دینی در احکام تکلیف - کتاب - سنت - عقل - اجماع

۱۲. طلب توبه روزانه و حسابرسی اعمال.

۱۳. تمسک و توسل به معصومین (ع)

۱۴. پیروی و اطاعت از رسول خدا (ص)، زمینه ساز محبت خدا

۱۵. پرهیز از متروک کردن قرآن -

امام صادق (ع) فرمود: سه چیز است که در قیامت به درگاه خدا شکایت می کند: ۱- مسجد ویرانی که اهلش در

آن نماز نخوانند ۲- عالمی که میان نادانان باشد ۳- قرآنی که غبار بر آن نشسته و خوانده نشود

(کافی / ج ۲ ص ۶۱۳ / ح ۳)

پیامبر اعظم (ص) بعد از ایراد خطبه شعبانیه در پایان آن شروع کرد به گریه، علی (ع) عرض کرد: ای رسول

خدا (ص) چرا گریه می کنی؟ فرمود: یا علی! گریه ام برای آن چیزی است که در این ماه (ماه رمضان) بر تو

وارد می شود گویا می بینم که برای پروردگارت نماز می خوانی در حالی که شقی ترین انسان و شقی تر از پی

کننده ناقه ثمود، برانگیخته می شود پس ضربتی بر پیشانی تو وارد می سازد که بر اثر آن محاسنت (با خون)

خضاب می شود، قال امیر المؤمنین: فقلت یا رسول الله و ذلک فی سلامه من دینی؟ فقال: فی سلامه من دینک؛

امیر مؤمنان می گوید، گفتم: ای رسول خدا این (شهادت) در حال سالم بودن دینم (و مسلمان بودنم) است،

فرمود: (بلی) در حال سلامت دینت خواهد بود.

وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ وَ اَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ وَ جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ

و دل‌های ما را از یاد هر چیز دیگر به یاد خود و زبان‌های ما را از شکر هر کس دیگر به شکر خود و اعضای ما را از فرمانبرداری از هر کس دیگر به فرمانبرداری خود مشغول دار.

پروردگارا نیت قلبی نیکو و زبانی شاکر و عملی پسندیده به ما عنایت فرما تا در برابر تو شرمند نباشیم و مجازات نگردیم و جزء طاعت و فرمانبرداری از تو عمل دیگری انجام ندهیم و آنچه که شایسته بشریت و مؤمنین است انجام دهیم.

جوان خوش عاقبت :

جوانی از یهودیان نزد پیامبر اکرم (ص) می آمد و کم کم با آن حضرت انسی گرفته بود. رسول خدا (ص) نیز او را به حضور می پذیرفت، گاهی هم او را دنبال کاری می فرستاد، یا نامه ای به دستش می داد تا به یکی از خویشاوندانش بدهد.

چند روزی گذشت و پیامبر او را ندید. جویای حال وی گشت. گفتند: بیمار شده و نزدیک به مردن است. حضرت با چند تن از یاران خویش به عیادت آن جوان یهودی رفت و آن بزرگوار را برکتی بود که با هر کس سخن می گفت، پاسخش را می داد، اگرچه در آخرین لحظات حیات بود.

پیامبر بر بالین بیمار محتضر نشست و صدا زد: فلانی! جوان چشم گشود و عرض کرد: «لبیک یا ابا القاسم» فرمود: بگو «اشهد ان لا اله الا الله و انی رسول الله» به یگانگی خدا و رسالت من گواهی بده .

جوان یهودی وقتی این سخن را شنید، نگاهی به چهره پدر خویش انداخت و چیزی نگفت گویا از پدر خود شرم داشت و یا می ترسید، برای بار دوم حضرت او را صدا زد و به گفتن شهادتین هدایتش نمود. جوان باز

نگاهی به چهره پدر انداخت و سخنی نگفت. در مرتبه سوم نیز که پیغمبر او را صدا زد، چشمش را باز کرد و به چهره پدرش نگاه می کرد.

در این هنگام رسول خدا(ص) فرمود: «اختیار با توست». اگر می خواهی گواهی بده و در صورتی که مایل نیستی لب فروبند!

در آخرین لحظات که فروغ عمر جوان رو به خاموشی بود او تصمیم گرفت سعادت خود را با دو جمله بخرد و بدون درنگ گفت: «اشهد أن لا اله الا الله و أنك رسول الله»، و سپس دیده از جهان فرو بست. پیامبر اکرم(ص) به پدرش فرمود: ما را با این جوان تنها بگذار، اکنون او به ما تعلق گرفت. آنگاه به یاران خویش فرمود: او را غسل دهید و کفن کنید و بیاورید تا بر او نماز بگذارم و بعد حضرت از منزل بیرون رفت، در حالی که می گفت: «الحمد لله الذي انجى بي اليوم نسمة من النار؛ خدای را سپاس گزارم که به وسیله من، امروز یک نفر را از آتش جهنم نجات داد.

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبَعَةٌ وَلَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ

خداوندا، اگر ما را آسایشی مقدر فرموده ای، چنان کن که به هنگام آسایش در امان مانیم: نه گناهی ما را گرفتار سازد و نه ملالتی به ما رسد،

فرار از غفلت و نادانی:

هر غفلتی در دنیا انسان را بسوی نادانی و جهل سوق می دهد. انسان باید پیوسته تلاش کند و در راه عزت اسلام هدفی مشخص را سیر نماید و این سیر نوعی مبارزه با غفلت است. حال اگر بر ما تقدیر شده که با وجود

تلاش به نتیجه ای نرسیم از خداوند تعالی در این فراز تقاضا می کنیم که این فراغت حاصله را فراغتی سالم قرار دهد تا از سقوط در دامن انحراف و فتنه و گمراهی و ضلالت باز مانیم؛ پس انسان سالم چه مشغول باشد و چه مشغول نباشد باید فراغت خود را با برنامه ریزی دقیق هدف مند نماید و از مسیر اسلام ناب محمدی خارج نشود.

حَتَّىٰ يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةٍ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا وَ يَتَوَلَّى كِتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا

تا فرشتگانی که گناهان ما را می نویسند، با صحیفه اعمال ما بی آنکه در آن گناهی نوشته شده باشد از نزد ما بازگردند و فرشتگانی که ثوابهای ما را می نویسند، شادمان با صحیفه ای نوشته از اعمال نیک ما به نزد تو آیند.

ارتباط نوع زندگی با نویسندگان اعمال:

پروردگارا آرزومندیم که در راهت ذاکر و شاکر باشیم و آنقدر در اطاعت تو باقی بمانیم که لحظه ای فراغت در نامه اعمال ما نوشته نشود و آنقدر به ما قدرت بده تا بتوانیم با کارهای نیکو و شایسته نویسندگان سیئات را با دستی خالی برگردانم. با درود بر محمد و آل او از تو درخواست می کنیم که کاتبان حسنات و خوبیها را از نزد ما مسرور و شادمان برگردانی به سبب حسناتی که از ما نوشته اند.

وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا وَ اسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

چون روزهای زندگی ما سپری شد و مدت عمر ما سر آمد و آن دعوت که از وقوع و اجابتش گریز نیست، ما

را احضار کند - - بر محمد و خاندانش درود بفرست

پروردگارا از تو بحق محمد و ال او در خواست داریم زمانیکه عمر ما سپری شد و مدت عمرمان به سر آمد و

از دنیا بریده شدیم و ما را به در گاهت احضار کردی (که گریزی از آن نیست) پایان آنچه را که کاتبین بر اعمال

ما نوشته اند توبه ای مقبول و پذیرفته قرار بده - گناهان زخم بدی در وجود انسان و جهان می گذارند زخمی

که علاجش بسیار دشوار است. آنگاه که معصیت و سیئات در اعمال حسنه، زخم ایجاد کنند آن زخم عامل

خفت و پوچی انسان می گردد، تنها چاره قبول توبه از طرف پروردگار است تا آن زخم التیام یابد.

وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُخْصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ اَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَّقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلٰى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ وَ لَا مَعْصِيَةٍ

اَقْتَرَفْنَاهَا

و سرانجام آنچه را که کاتبان اعمال ما برای ما رقم زده اند توبه ای پذیرفته شده قرار ده که زان پس ما را به

کیفر گناهی که مرتکب شده ایم یا معصیتی که کرده ایم توبیح نکنی.

پروردگارا ما را از انجام گناهان باز دار و با پذیرش توبه از توبیح و عذاب دور گردان. خدایا از آنچه انجام داده

ایم اگر چه نادرست بوده و یا در آزمایش تو بوده ایم ولی متوجه این آزمایش نبوده و غفلت داشته ایم پرده

دری مکن، رسوایم مکن، بخصوص در نزد گواهان خود.

وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلٰى رُءُوسِ الشَّاهِدِ يَوْمَ تَبْلُو اَخْبَارَ عِبَادِكَ

و در آن روز که بندگانت را می آزمایی، پرده ای را که بر گناه ما کشیده ای در برابر همگنان بر مگیر.

آدمی با عیب پوشی از دیگران، آئینه خداوند می شود و از این راه به یکی از رموز دلبری و دلربایی دست می یابد؛ همان گونه که از رموز دلبری پروردگار، پرده پوشی آن ذات پاک، از گناهان و لغزش های بندگان خطاکار خویش است. در حدیثی دل نشین از حضرت علی علیه السلام می خوانیم: «عیب های مردم را تا حد ممکن پوشیده بدار، چنان که دوست می داری خداوند، عیب های تو را از چشم مردم پنهان بدار» (نهج البلاغه / دشتی ۱۴۵-)

از عیب پوشی خداوند مغرور نشویم:

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است که فرمود :

بنده ای نیست، مگر اینکه چهل پوشش بر اوست تا اینکه چهل گناه کبیره انجام می دهد و در این هنگام، پوشش ها از او برچیده می شود، ولی خداوند به ملائکه می فرماید: «بنده مرا با بال های خودتان بپوشانید.» و ملائکه، او را با بال های خودشان می پوشانند، ولی بنده گناه کار آن عمل را دوباره مرتکب می شود تا اینکه به فعل زشت خود به مردم فخر فروشی می کند. سپس ملائکه می گویند: «پروردگارا، این بنده تو مرتکب هر گناهی شد و ما از آنچه او انجام می دهد، حیا می کنیم.» پس پروردگار به ملائکه وحی می کند تا بال هاشان را از آن بنده بردارند. در این زمان، ملائکه می گویند: «پروردگارا، این بنده تو رسوا گردید.» و خداوند به آنها می فرماید: «اگر من (خاطر) او را می خواستم، به شما امر نمی کردم بال های خود را از او بردارید.

(م. جویباری، راه روشن، ص ۱۳۵)

شیخ اجل سعدی در حکایتی آورده است:

یکی از بزرگان، از پارسایی پرسید: نظر تو درباره فلان عابد چیست که مردم از او سخن ها می گویند و در غیاب او از او عیب جوئی می کنند؟ پارسا گفت: در ظاهر او عیبی نمی بینم و از باطنش نیز آگاهی ندارم. کلیات سعدی، به تصحیح: محمد علی فروغی، ص ۶۳)

إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

تویی که بر هر کس که تو را بخواند مهربانی و تویی که به هر کس که تو را ندا دهد پاسخ می گویی.

همانا تو نسبت به بندگانت مهربان هستی و هر کس تو را بخواند اجابت کننده ای - ای کسی که طاعتت موجب نجات مطیعان است.

امام علی (ع) فرمود: خداوند از عرش خود ندا می دهد، ای، بندگانم به هر آنچه می گویم عمل کنید و مصالح خود را به من نگوئید، من خود از مصلحت شما آگاه ترم و در آن برای شما کوتاهی نمی کنم. (تفسیر منسوب به امام علی (ع) ص ۳۲۷ ح ۱۷۶))

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

قرآن کریم -

اصول کافی -

فرهنگ لغات نوین -

قاموس قرآن -

نهج البلاغه سید رضی -